

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

نوع مقاله: پژوهشی

رابطه فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی و استفاده از

شبکه‌های اجتماعی

(مطالعه موردی: معلمان شهر اصفهان)

نوشته

مریم حایک *

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Ma-hayek@ase.ui.ac.ir

چکیده

این مقاله، به موضوع رابطه فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، در جامعه معلمان شهر اصفهان می‌پردازد. دموکراسی نوین مشارکتی، کاربرد نوآورانه رسانه‌های جدید، در جهت عمق بخشیدن به حکومت دموکراتیک از طریق تسهیل مشارکت مستقیم تر مردم، در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مشارکت بر مبنای فضای نوین ارتباطی، بین همه گروه‌های مختلف جامعه اهمیت دارد، اما شکل‌گیری این فرهنگ، بین معلمان، به دلیل نقش کلیدی آنان در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. هدف از پژوهش حاضر، پاسخ به این سوال است که فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی جامعه معلمان، بر بستر استفاده از شبکه‌های اجتماعی چگونه است؟ برای این مقصود، متغیرهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی در جامعه معلمان شهر اصفهان، سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶، با روش پیمایش مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج به دست آمده، بیانگر آن است که رابطه بین فرهنگ دموکراسی مشارکتی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، در نمونه مورد بررسی با وجود قید "اعتماد به شبکه‌های اجتماعی"، رابطه‌ای معنادار و همسو است. به عبارتی، لزوماً استفاده از شبکه‌های اجتماعی منجر به ایجاد و یا افزایش سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی نمی‌شود، بلکه زمانی که مراجعه به شبکه‌های اجتماعی، به عنوان منبع آگاهی از اخبار و اطلاعات سیاسی، با اعتماد به این رسانه همراه شده، در ارتقای سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی پاسخگویان مؤثر بوده است.

کلیدواژه: شبکه‌های اجتماعی، دموکراسی نوین مشارکتی، مشارکت سیاسی، جامعه معلمان.

مقدمه

شبکه‌های اجتماعی، پایگاه‌های جدیدی هستند که در مرکز توجه کاربران قرار گرفته‌اند و هر کدام با ویژگی‌های انتقال سریع داده‌ها، اطلاع‌رسانی و دسترسی راحت به اطلاعات مورد نیاز، دسته‌ای از کاربران را، با ویژگی‌های خاص گرد هم می‌آورند. در این فضای ایجادشده، عرصه علم سیاست نیز، از این قاعده مستثنی نیست و تحت تأثیر فناوری‌های ارتباطاتی با شرایط جدیدی روبه‌رو شده، به عبارتی در فضای مجازی، راه‌گزینی از زندگی سیاسی وجود ندارد.

شرایط ایجادشده در بستر فضای مجازی، موجب تأثیر بر دو بُعد توسعه سیاسی، یعنی مشارکت سیاسی و رقابت سیاسی، شده است (غفاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۸) و نوع جدیدی از دموکراسی را، با عنوان "دموکراسی نوین مشارکتی" یا "دموکراسی دیجیتال" در پارادایم جامعه‌شناسی سیاسی جدید شکل داده است.

هوارد رینگولد^۱ در کتاب اجتماع مجازی، دموکراسی نوین مشارکتی را "آتن بدون بردگان" لقب داده است و توضیح می‌دهد، در عصر جدید، به واسطه توسعه ارتباطات از راه دور و رایانه‌های ارزان قیمت، نوعی دولت‌شهر آتنی به شکل یک جماعت مجازی در اینترنت ظاهر شده است و شبکه، نقش "آگورا"ی آتنی را دارد که درون آن، شهروندان آزاد به مباحثه درباره امور عمومی جامعه می‌پردازند. وی معتقد است، چنانچه شهروندان وجود شبکه‌های اجتماعی را به‌درستی درک کنند، همان‌گونه که الفباها و چاپخانه‌ها پتانسیل‌های دموکراتیک‌سازی داشتند. فناوری نوین ارتباطات نیز دارای پتانسیل‌های دموکراتیک‌سازی است، زیرا فرصتی را فراهم آورده است تا مردم آزادانه به بیان عقاید و دیدگاه‌های خود بپردازند و بدین وسیله نیاز جامعه را به توسعه مشارکت سیاسی و فعال اعلام کنند (رینگولد، ۱۹۹۳: ۲۷۸-۳۲۰).

پرداختن به راهبرد دموکراسی در عصر اطلاعات، بدون توجه به مواضع نظام‌های سیاسی درخصوص دموکراسی و انواع الگوهای اجرایی آن امکان‌پذیر نیست. در نظام سیاسی ایران، که بر دو پایه اسلام و جمهوریت بنا شده، مفهومی از دموکراسی با نام "دموکراسی ژرف"^۲، شیوه حکومتی سازگار با اسلام دانسته شده است که الگوی دموکراسی آن، با دموکراسی لیبرالیستی و دموکراسی مورد نظر اجتماع‌گرایان متفاوت است و در آن حاکمیت مردم بر مردم، در معنای واقعی آن لحاظ می‌شود. در دموکراسی ژرف، شهروندان، به عنوان اعضای تأثیرگذار، در فرایندهای اجتماعی احساس مسئولیت می‌کنند و لذا با سایر شهروندان، با هدف یافتن راه حل برای معضلات اجتماع و نه ترجیحات فردی ظاهرشونده در رأی دادن و انتخاب نمایندگان، مشورت می‌کنند. در دموکراسی ژرف، مشارکت، مشاوره و گفت‌وگو اهمیت می‌یابد و برقراری ارتباط کلامی، شکاف تاریخی فرد و اجتماع را پر می‌کند (عالم و میرزازاده احمد بیگلر، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۳۹).

در اندیشه سیاسی امام خمینی، بنیانگذار نظام سیاسی جمهوری اسلامی، نه‌تنها تضادی مابین اسلام و دموکراسی، در معنای حقیقی آن وجود ندارد، بلکه دموکراسی ژرف در معنای واقعی آن، تنها در اسلام تحقق می‌یابد و نظام سیاسی جمهوری اسلامی درصدد اجرای این الگوی دموکراسی است:

ما می‌خواهیم اسلام را - لااقل حکومتش را - به یک نحوی که شباهت داشته باشد به اسلام اجرا بکنیم تا شما معنی دموکراسی را به آن طوری که هست بفهمید و بشر بدانند که دموکراسی که در اسلام هست با این دموکراسی معروف اصطلاحی که دولت‌ها و رؤسای جمهوری و سلاطین ادعا می‌کنند بسیار فرق دارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۴۱۸).

با قرار گرفتن ایران، در مسیر دستیابی به توسعه و ورود به جامعه اطلاعاتی، توسعه ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی، فرصت‌هایی جهت تمرکززدایی و تغییر ماهیت و نحوه عملکرد دولت‌ها و ایجاد فضا برای مشارکت متفاوت مردم در فرایندهای سیاسی اجتماعی فراهم کرد؛ لذا انتظار می‌رفت مشارکت سیاسی و رقابت سیاسی، به عنوان دو بُعد توسعه سیاسی، در جامعه ایران تقویت شود (آبیار و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۰-۱۶۲).

به بیان دیگر، پیوستن ایران به جامعه اطلاعاتی، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای را برای تقویت دموکراسی ژرف، یا مردم‌سالاری دینی در بستر فضای مجازی، با نام دموکراسی نوین مشارکتی فراهم کرده است.

^۱. Howard Rheingold

^۲. Deep Democracy

شکل‌گیری فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی در جامعه، اگرچه نیازمند پذیرش و اعمال آن از سوی بیشتر افراد و گروه‌های فعال در جامعه است، اما پذیرش و اعمال آن از سوی گروه‌های مرجع، که یکی از مهم‌ترین منابع هویتی هر جامعه‌اند و افراد رفتار و ارزش‌های خود را از آن‌ها اقتباس می‌کنند از ضرورت بیشتری برخوردار است. بین گروه‌های مرجع، جامعه‌معلم‌ان از آن جهت اهمیت دارد که هم رابط بین نسل آینده و جامعه‌اند و نیز گروهی هستند که از جایگاه مؤثری در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ‌سازی برخوردارند.

حال این سوال مطرح می‌شود، در دورانی که ایده مطرح در آن، ایده ارتباط و اتصال است و فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی نوین، با صورت‌بندی‌های جدید مشارکت، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای را برای تقویت دموکراسی ژرف به وجود آورده‌اند، فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی در جامعه‌معلم‌ان ایران، به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرجع، چگونه است؟ در این پژوهش، با هدف پاسخ به این سؤال، رابطه متغیرهایی مورد سنجش قرار گرفته که گویای استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تحقق دموکراسی نوین مشارکتی، در جامعه آماری معلم‌ان مقاطع مختلف تحصیلی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۹۷ باشد.

ادبیات تحقیق

دموکراسی نوین مشارکتی

دموکراسی صورتی از حکومت است که قائل به برابری و تشابه شخصیت همه شهروندان است و به این اعتبار در این حکومت، اراده عمومی به قانون تبدیل می‌شود. در این نوع حکومت، اقتدار حکومتی و قوانین موضوعه از مردم ناشی می‌شود و حکمرانان، فقط عاملان اجرایی هستند که باید خود را با مقاصد تعیین شده از طرف مردم تطبیق دهند. در یک دسته‌بندی کلی، دموکراسی به دو نوع مشارکتی و نمایندگی تقسیم می‌شود، اما در عصر کنونی، دموکراسی نمایندگی به سبک لیبرالیسم، جایگزین مفهوم دموکراسی شده و بر اساس آن نمایندگانی که منتخب مردم هستند، نه فقط اراده انتخاب‌کنندگان خود را نمایندگی می‌کنند، بلکه از آن جهت که وکیل مردم هستند و تجسم منتخبان خود به شمار می‌روند، به اراده شخص خود نیز عمل می‌کنند. در این نوع دموکراسی، مرکز ثقل قدرت در دست نمایندگان متمرکز است (دوبنوا، ۱۳۷۶: ۴۵-۴۸) و دقیقاً به دلیل همین تمرکز قدرت در دست عده‌ای محدود که به اراده شخص خود نیز عمل می‌کنند، همواره مورد انتقاد شدید است.

از دهه ۱۹۶۰، که گفتمان‌ها و فنون مشارکتی، در هسته اصلی فرایندهای تصمیم‌گیری در بخش‌های مختلف جوامع و حوزه‌های سیاست‌گذاری در سراسر جهان قرار گرفت، دموکراسی مشارکتی، که قبل از هر چیز یک دموکراسی مستقیم و متکی بر قاطبه مردم است، دوباره به عنوان راه برون‌رفت از مشکلات دموکراسی نمایندگی مطرح شد. بنابراین، ابتدا سازوکارهای مشارکتی طراحی شدند، که راهی برای آگاهی از دیدگاه شهروندان و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری سیاسی و بوروکراتیک هستند. همچنین، تصور می‌شد که این سازوکارهای مشارکتی، به ابزارهایی الزام‌آور برای پاسخگویی رهبران سیاسی نسبت به تصمیم‌گیری‌های خود و توانمندی بیشتر شهروندان از طریق فرایند مشارکت تبدیل شوند (برر^۳ و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۲۵)

تحول در عرصه ارتباطات و استقرار اشکال جدید اشاعه اطلاعات در سطح ملی و جهانی، مسیر تازه‌ای را در برابر نظام‌های سیاسی گشود و بستر نوینی را برای تحقق دموکراسی مشارکتی فراهم کرد. فناوری‌های نوین از طریق تسهیل مشارکت مستقیم‌تر مردم، در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و قدرت‌دهی بیشتر به مردم، زمینه بروز جامعه مدنی را فراهم کرد و چهره

3. Bherer

جدیدی از دموکراسی مشارکتی را، با عنوان دموکراسی نوین مشارکتی به وجود آورد. در چارچوب این نوع از دموکراسی، امکان اینکه در عمل، صدها نفر در گروه‌های مختلف درباره مسائل مختلف با یکدیگر بحث کنند و آراء و نظرهای خویش را اعلام کنند، به وجود آمد و در واقع، فاصله جغرافیایی و حتی زمانی، میان مردم و حکومت کاهش یافت (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۷۲-۷۵).

احاطه رسانه‌های نوین، بر سراسر جهان و نقش پررنگ آن‌ها در تحول‌های سیاسی، تا حدی است که افرادی از قبیل "داگرن"^۴ معتقدند در شرایط فعلی، ارتباطات بنیان اصلی زندگی سیاسی است و بدون بهره‌گیری از وسایل ارتباطی نوین، نظام‌های سیاسی قادر به نظم بخشیدن به جامعه و شریک ساختن مردم در زندگی سیاسی نیستند (رهبرقازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۸). در این فضا، شبکه‌های اجتماعی با فراهم کردن بستر جامعه‌پذیری سیاسی و زمینه‌سازی جهت افزایش مشارکت سیاسی، نقش مؤثری در فرایند تحقق دموکراسی ایفا می‌کنند. ابعاد تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تحقق شاخصه‌های دموکراسی نوین مشارکتی عبارت‌اند از:

الف. شفافیت سیاسی - اجتماعی

امروزه در پرتو فناوری اطلاعات، درخواست فزاینده مردم از نظام سیاسی برای شفافیت اطلاعات، پاسخ‌های مناسبی یافته است. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، روابط و ارتباطات مردم و حاکمان را در سطح بسیار وسیعی شفاف کرده و سبب شده تا دسترسی همگان به اطلاعات بیشتر باشد. در برخی از کشورهای دنیا، دسترسی به بحث‌های پارلمانی، اعم از جلسات عمومی و تخصصی و کمیسیون‌های مختلف، برای مردم وجود دارد و افراد می‌توانند در خانه و محل کار از مطالب مختلف آگاه شوند. در اغلب کشورهای توسعه‌یافته، تقریباً همه قوانین کشور در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد و همگان می‌توانند از آن استفاده کنند (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۷۲-۷۳) زتومپکا معتقد است شفافیت در فضای مجازی، به معنای ارائه اطلاعات و پرهیز از پنهان‌کاری، کنترل و سانسور از جمله عواملی است که منجر به ایجاد فرهنگ اعتماد در ساختار فضای مجازی می‌شود (موسوی و اسدنژاد احمدآبادی، ۱۳۹۴: ۲۵۶-۵۷). تحقیقات انجام‌شده در خصوص نتایج شفافیت اطلاعات در سطوح مختلف یک جامعه نیز، بیانگر وجود همبستگی مثبت و قوی بین شفافیت اطلاعات و اعتماد است. به عبارتی، هرچه در یک مجموعه انسانی شفافیت قوانین و عدالت رویه‌ای بیشتر باشد، اعتماد و تعهد بیشتری در بین اعضای آن مجموعه حاصل می‌شود (لگزریان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۲). بنابراین می‌توان گفت، آگاهی‌بخشی به مردم همراه با صداقت و شفافیت در نمایش حقیقت، افزایش سطح اعتماد مردم را به نظام سیاسی و ایجاد زمینه مشارکت سیاسی بیشتر به همراه خواهد داشت. در این پژوهش، شفافیت سیاسی اجتماعی در چهار بُعد "صداقت"، "شفافیت"، "آگاهی‌بخشی" و "اعتماد" مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب. جلب مشارکت سیاسی

از مشارکت سیاسی، تعاریف متنوعی ارائه شده که هریک بر جنبه، یا جنبه‌هایی از مشارکت سیاسی تأکید دارند. مایکل راش، مشارکت سیاسی، را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی می‌داند. مشارکت سیاسی، فعالیتی داوطلبانه است که به وسیله آن اعضای یک جامعه، مستقیم یا غیرمستقیم، در شکل‌گیری سیاست عمومی سهیم می‌شوند. بر اساس این تعریف می‌توان گفت آن دسته از فعالیت‌های شهروندان که در جهت تأثیر قرار دادن سیاست و حکومت انجام می‌گیرد،

4. Dogren

در زمره مشارکت سیاسی است (هرسیچ و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۸). رسانه‌های نوین، شیوه‌های مشارکت سیاسی مردم را دگرگون کرده‌اند و آنها را با فضای مجازی آمیخته‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با تأثیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر تمایل به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، حاکی از آن است که هرگاه میزان فعالیت افراد در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، بر میزان تمایل آنها به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی نیز افزوده می‌شود. در واقع اینترنت، هزینه ارتباطات و درک اطلاعات را کاهش داده و موقعیت‌های جالبی را، برای تقویت شخصی‌سازی سیاست و مشارکت سیاسی غیرمتعارف مردم ایجاد کرده است. به عبارتی شبکه‌های اجتماعی، با اطلاع‌رسانی سریع درباره مسائل و انتقال نمادهای اعتراضی و تحریک احساسات، مجرای مهمی برای گروه‌های درحاشیه مانده سیاسی هستند (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۶-۸۷).

با توجه به اینکه نخستین شرط برقراری یک نظام دموکراتیک مطلوب، وجود فرهنگ گفت‌وگو است و دیگر اینکه، افراد یک جامعه حاضر باشند رأی و نظر خود را در معرض داوری و سنجش دیگران قرار دهند (حمیدیه، ۱۳۸۵: ۲۳۷-۳۸)، اظهار نظر سیاسی، به عنوان یکی از شاخصه‌های مشارکت سیاسی، مورد توجه قرار می‌گیرد.

همچنین زمانی که فعالان شبکه‌های اجتماعی، با دوستان خود ارتباط می‌یابند به ایجاد مباحث تازه سیاسی بین گروه‌های عضو، همچنین لینک اخبار و موضوع‌های سیاسی موجود، بیشتر علاقه‌مند می‌شوند و احتمال مشارکت سیاسی آنان، در فعالیت‌های متعارف و رسمی از جمله انتخابات، افزایش می‌یابد. بنابراین با توجه به اینکه، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به گونه‌ای سازماندهی شوند که فضای عمومی را، برای بحث سیاسی و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی متعارف آماده کنند (رهبرقاضی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۵) بحث سیاسی نیز، به عنوان یکی دیگر از شاخصه‌های مشارکت سیاسی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

از دیگر شاخصه‌های مؤثر در سنجش مشارکت سیاسی، مفهوم اثربخشی سیاسی است. بر اساس نظر میلر^۵ و کمپل^۶، اثربخشی سیاسی، احساسی است که بر مشارکت و اقدام افراد در فعالیت‌های سیاسی تأثیر می‌گذارد (هرسیچ و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۶)، لذا دیدگاه پاسخگویان نسبت به اثربخشی سیاسی، در شکل‌گیری فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی در جامعه معلمان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

شاخصه دیگر ارزیابی مشارکت سیاسی، گرایش به فعالیت‌های سیاسی است. بر اساس نظر تسلر^۷، که یکی از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک را، مشارکت مدنی می‌داند (ساعی و کریمی، ۱۳۹۱: ۱۲۱) و نظر میلر و کمپل، که معتقدند نگرش افراد بر مشارکت و اقدام افراد در فعالیت‌های سیاسی اثر می‌گذارد، دیدگاه پاسخگویان درخصوص گرایش به فعالیت سیاسی نیز، مورد سنجش قرار می‌گیرد. بنابراین در این پژوهش، جلب مشارکت سیاسی در چهار بُعد "اظهار نظر سیاسی"، "بحث سیاسی"، "اثربخشی سیاسی" و "گرایش به فعالیت سیاسی" مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مطالعه‌های پیشین

⁵1. Miller

⁶2. Campbell

⁷3. Tesler

ساندبرگ^۸ (۲۰۱۹) در پژوهش "دولت الکترونیک: به سمت دموکراسی الکترونیکی یا دموکراسی در معرض خطر؟" با پرهیز از نگاه تک‌بعدی در بررسی تأثیر فناوری نوین ارتباطات بر دموکراسی، معتقد است امکان تقویت و یا تضعیف دموکراسی در بستر فضای مجازی به صورت یکسان وجود دارد. وی استدلال می‌کند، اگرچه استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی، بیشتر در دولت‌های تحول‌گرای است که در پی ارتقای کارآمدی خود هستند و برای افزایش تعامل‌های خود با شهروندان و تقویت دموکراسی تلاش می‌کنند، اما پیامدهای منفی اقدام‌های اشتباه دولت‌ها در بستر فضای مجازی، آسیب‌های سختی بر پیکر دموکراسی وارد می‌سازد؛ لذا دولت‌ها می‌بایست، با نگاهی واقع‌بینانه و آگاهی نسبت به تبعات منفی اقدام‌های خود، برای دموکراسی در بستر دولت الکترونیک گام بردارند.

داسلی^۹ (۲۰۱۹) در مقاله "استفاده از رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری برای ارتباطات سیاسی در حوزه سیاست" با بیان اینکه شبکه‌های اجتماعی، مانند سایر رسانه‌های جمعی، هم جنبه‌های مثبت و هم منفی دارند، به تشریح جنبه‌های مثبت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌پردازد. وی مهم‌ترین جنبه مثبت این رسانه را، آزادی نامحدود کاربران آن، در دسترسی به اطلاعات می‌داند. او درخصوص جایگاه فناوری نوین ارتباطات استدلال می‌کند، که استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در مباحث سیاسی، به دلیل فرصت‌هایی که به مردم و سیاستمداران ارائه می‌دهد، جذاب است. سیاستمداران، برای رساندن پیام خود به مردم از محدودیت‌های زمانی و مکانی خارج شده‌اند و مردم نیز، این فرصت را یافته‌اند که در شبکه‌های اجتماعی از طریق اظهار نظر و گفت‌وگو، مطالبات خود را به اطلاع سیاستمداران برسانند.

گستیل و ریچاردز^{۱۰} (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان "آغوش دموکراسی دیجیتال: فراخوانی برای ایجاد یک انجمن برخط مدنی" تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی را بر سیاست، مثبت ارزیابی کرده و پیشرفت‌های ایجادشده در ابزارهای مشارکت مدنی برخط را، به وجودآورنده یک فضای دیجیتالی مدنی می‌دانند که فرصت‌هایی برای اجرای آسان اصولی از دموکراسی، همچون نقد قوانین، ارزیابی نامزدها و یا انجام رأی‌گیری‌های سریع و بی‌واسطه، ایجاد کرده است. آنها مطرح می‌کنند، با ایجاد مشترکات برخط یکپارچه، تشویق شهروندان به مشارکت سیاسی پایدار، با استفاده از ظرفیت فضای مجازی و بازخورد نتایج مشارکت به دولت و شهروندان، می‌توان فضای مجازی را به یک دستگاه دموکراسی بزرگ تبدیل کرد.

روو و سانداراراجان^{۱۱} (۲۰۱۴) در مقاله "دسترسی دیجیتالی، شبکه‌های سیاسی و انتشار دموکراسی" به بررسی تأثیر گسترش استفاده از فضای مجازی در تقویت دموکراسی، بین ۱۸۹ کشور، طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ پرداخته‌اند. نتایج بررسی آنها نشان داده که فناوری اطلاعات، با تغییر شرایط دموکراتیک در کشورها پیوند عمیقی دارد؛ لذا آزادی‌های مدنی و آزادی رسانه‌های دیجیتال از یک همبستگی مثبت برخوردارند. علاوه بر این، میان رسانه‌های دیجیتال، سطح تراکم نفوذ تلفن همراه، تأثیر قابل توجهی بر درخواست‌های مدنی و تغییرهای دموکراتیک در کشورها دارد. تأثیر این موضوع سبب شده، نظام‌های سیاسی نسبت به مسئله نفوذ سیاسی از طریق شبکه‌های مجازی، به‌ویژه شبکه‌های سیاسی، حساسیت بیشتری پیدا کنند و جهت کنترل آن، فعالیت‌هایی را انجام دهند.

⁸. Sundberg

⁹. Dasli

¹⁰. Gastil & Richards

¹¹. Rhue & Sundararajan

رهبرقاضی و همکارانش (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان " نقش شبکه‌های مجازی در تمایل به مشارکت انتخاباتی و جهت‌گیری‌های سیاسی " به این نتیجه رسیده‌اند، اگرچه افزایش فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، موجب بالا رفتن میزان مشارکت انتخاباتی می‌شود، اما واقعی تلقی کردن محتوای شبکه‌های اجتماعی و افزایش مصرف روزانه چنین شبکه‌هایی، تأثیر منفی بر تمایل افراد به شرکت در انتخابات داشته است. همچنین، یافته‌های پژوهش آنها، حاکی از آن است که شبکه‌های اجتماعی، بر گرایش‌های سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند، به طوری که در بیشتر موارد، افرادی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، بیشتر از دیگران به گروه‌های سیاسی اصلاح طلب گرایش دارند.

در پژوهش حاضر، بر خلاف پژوهش‌های گذشته، که به صورت عمده بر مشارکت سیاسی تمرکز کرده و تأثیر شبکه‌های اجتماعی را بر این متغیر مورد ارزیابی قرار داده‌اند؛ سعی بر آن است تا با نگاه جامع‌تری، رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فرهنگ دموکراسی مشارکتی، بر اساس دو مقیاس شفافیت سیاسی اجتماعی و جلب مشارکت سیاسی، مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب نظری

ظهور جامعه اطلاعاتی، تأثیر آن بر زندگی سیاسی جوامع و رابطه میان دولت‌ها و شهروندان، توجه بسیاری از اندیشمندان را در دو حوزه ارتباطات و سیاست به خود معطوف کرده و نظریه‌های متنوع و گاه متناقضی در این رابطه مطرح شده است. از جمله دیدگاه‌های مطرح در این رابطه، نظریه‌هایی است که رابطه فناوری‌های نوین ارتباطات را با سیاست، مثبت ارزیابی کرده و ظهور جامعه اطلاعاتی را، بستری برای کاهش شکاف میان جامعه و هیئت حاکمه می‌داند. موافقان این دیدگاه معتقدند، به دلیل آنکه ماده خام و اساس جامعه اطلاعاتی " اطلاعات " و " آگاهی‌بخشی " است و هرچه افراد جامعه‌ای آگاه‌تر باشند، کیفیت و کارایی آن جامعه در عرصه‌های گوناگون ارتقا می‌یابد، لذا تأثیر جامعه اطلاعاتی بر کیفیت ابعاد مختلف زندگی و از جمله حوزه سیاست مثبت است (سلطانی‌فر و ططری، ۱۳۹۰: ۱۶۶). آنها مطرح می‌کنند فناوری‌های تعاملی و شبکه‌ای، با پرورش شهروندانی آگاه‌تر، کاهش درگیری‌های مدنی و فراهم کردن بستر مناسب برای پاسخگویی نمایندگان به مردم، موجب تقویت ارتباط شهروندان با هیئت حاکمه و مشارکت سیاسی بیشتر شهروندان در مسائل سیاسی می‌شوند (وبستر^{۱۲}، ۲۰۱۴: ۹۷-۱۹۶).

دوریس الهوتر^{۱۳} از اندیشمندان حوزه علوم سیاسی، معتقد است که فعالیت‌های اینترنتی، با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی رابطه مثبت دارد. وی بیان می‌کند، ابزارهای الکترونیکی جدید، شهروندان را برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی تحریک می‌کنند؛ لذا کاربران اینترنت از لحاظ حضور در فعالیت‌های سیاسی، بیشتر فعال هستند (آچولزر^{۱۴} و الهوتر، ۲۰۰۹: ۲ - ۱۶). همچنین، نتایج پژوهش‌های لیک و هاگفلد^{۱۵} (۱۹۹۸) درخصوص نقش شبکه‌های اجتماعی در مشارکت سیاسی، حاکی از آن است که افزایش سرمایه اجتماعی، به عنوان محصول جانبی تعامل‌های اجتماعی صورت گرفته در شبکه‌های اجتماعی، احتمال توجه فعالان شبکه‌های اجتماعی را، به مسائل سیاسی و مشارکت سیاسی افزایش می‌دهد (اسکوریک^{۱۶} و

¹². Webster

¹³. Doris Allhutter

¹⁴. Aichholzer

¹⁵. Lake & Huckfeldt

¹⁶. Skoric

"گووان- حاص^{۱۷}" و "ولمان^{۱۸}" نیز استدلال می‌کنند که اگرچه اینترنت می‌تواند با سطوح مختلف رویکرد سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه مثبتی داشته باشند، ولی این ابزار نوین ارتباطی نمی‌تواند در تعهد سیاسی افراد تغییری ایجاد کند (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۷۹).

"شوایتزر^{۱۹}" در پژوهشی که به بررسی نقش تارنماهای احزاب آلمان در انتخابات این کشور پرداخته، مطرح می‌کند که وجود برخی ویژگی‌های منحصربه‌فرد فضای مجازی، باعث شده اهمیت فعالیت‌های ژورنالیستی، که ابزار ارتباط حکومت با رأی‌دهندگان است، کاهش یابد و گروه‌ها و احزاب سیاسی، بدون وساطت رسانه‌های کنترل‌کننده، مستقیم و بدون محدودیت با مردم ارتباط برقرار کنند. وی اینترنت را نویددهنده برقراری دموکراسی قوی در جوامع انسانی دانسته است (شوایتزر، ۲۰۱۲: ۲۸۳-۲۹۶).

نظریه هوارد رینگولد، در بررسی رابطه اینترنت و دموکراسی از دیگر نظریه‌های قابل تأمل است. وی معتقد است، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از ظرفیت و پتانسیل دموکراتیک بالایی، برای بازسازی دموکراسی حقیقی و مشارکت هرچه بیشتر مردم در امر سیاست برخوردار هستند. رینگولد مطرح می‌کند، در جامعه‌ای که مردم قادر خواهند بود از طریق صفحه رایانه، در ارتباطی مستقیم و بدون واسطه، آزادانه و بدون محدودیت، با شور و نشاط نظرهای خود را ابراز کنند، دموکراسی مشارکتی تقویت می‌شود (رینگولد، ۱۹۹۳: ۲۷۸-۳۲۰). در این مقاله، با پذیرش دیدگاه خوش‌بینانه ارتباط رسانه‌های جدید و سیاست، در چارچوب نظریه رینگولد، به عنوان چارچوب نظری پژوهش، به بررسی این ارتباط در جامعه معلمان می‌پردازیم.

فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش، بر مبنای نظریه رینگولد که قائل به رابطه همسو و مثبت مابین استفاده از فضای مجازی و دموکراسی است، این است که در جامعه معلمان اصفهان ارتباط دو متغیر "استفاده از شبکه‌های اجتماعی" و "فرهنگ دموکراسی مشارکتی" با یکدیگر همسو بوده و ضریب همبستگی مثبت دارند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کمی است که با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را ۱۹۰۰۰ نفر^{۲۰} از معلمان مقاطع مختلف تحصیلی شهر اصفهان تشکیل می‌دهند. بر اساس آمار دریافتی پژوهشگر از اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، به طور تقریبی ۶۰ درصد از جامعه آماری زن و ۴۰ درصد مرد هستند. از نظر رده‌بندی سنی نیز، رده‌های سنی ۱۸ تا ۳۰، ۳۰ تا ۴۰ و ۴۰ تا ۵۰ سال به طور تقریبی نسبت مساوی دارند و کمترین میزان جمعیت، متعلق به رده سنی ۵۰ تا ۶۰ سال است.

¹⁷. Quan-Haase

¹⁸. Wellman

¹⁹. Schweitzer

^{۲۰}. تعداد جامعه آماری، مآخذ از آمارنامه شهر اصفهان، در سال ۱۳۹۵ است.

حجم نمونه، بر اساس فرمول کوکران ۳۷۶ نفر تعیین شد، که برای اطمینان عدد ۳۸۰ را در نظر گرفتیم. نمونه‌گیری تحقیق، با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام شد. بر اساس این روش و گروه‌بندی اداره کل آموزش و پرورش استان، که مدارس شهر اصفهان را به دو گروه برخوردار و نیمه برخوردار تقسیم کرده است، جامعه آماری به دو گروه معلمان مدارس برخوردار (نواحی ۱، ۲، ۳ آموزش و پرورش اصفهان) و معلمان مدارس نیمه‌برخوردار (نواحی ۴، ۵، ۶ آموزش و پرورش اصفهان) تقسیم شد. با توجه به اینکه، بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۵، جمعیت معلمان در دو گروه مدارس برخوردار و نیمه‌برخوردار تقریباً با یکدیگر برابر بود، حجم نمونه به دو گروه تقریباً برابر از معلمان، تقسیم و اجرا شد. اطلاعات، با ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شده است. در پژوهش حاضر، محقق بر اساس مبانی نظری تحقیق، دو متغیر "مشارکت سیاسی" و "شفافیت سیاسی" را مشخص کرده و سپس با تنظیم این متغیرها، در قالب ۱۸ گویه در طیف لیکرت، فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی معلمان شهر اصفهان را، در سال تحصیلی ۹۷ - ۱۳۹۶ بر بستر شبکه‌های اجتماعی، مورد سنجش قرار داده است. در مرحله بعد، اطلاعات از پرسشنامه‌ها استخراج و پس از آن برای تحلیل، داده‌ها وارد نرم‌افزار spss شد.

برای سنجش هر یک از مقیاس‌ها، چندین گویه در مقیاس لیکرت تدوین شد، که قبل از اجرای اصلی پرسشنامه، لازم بود روایی و پایایی (دقت گویه‌ها) در رابطه با مقیاس مورد سنجش، ارزیابی شود. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق، علاوه بر استفاده از چارچوب‌های نظری تحقیق، تحقیق‌های پیشینی که در رابطه با این موضوع به انجام رسیده بود، مطالعه و پس از بحث و بررسی با چند نفر از کارشناسان حوزه ارتباطات، روایی پرسشنامه ارزیابی شد. برای سنجش پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد، که یکی از روش‌های رایج سنجش پایایی است و همسازی درونی هر یک از مقیاس‌ها مورد سنجش قرار گرفت. میزان آلفای کرونباخ مقیاس مشارکت سیاسی، ۰/۶۰۳ و میزان آلفای کرونباخ مقیاس شفافیت سیاسی، ۰/۸۵۹ به دست آمد، که بیانگر پایایی به نسبت بالای این دو مقیاس است.

یافته‌های توصیفی

الف. یافته‌های جمعیت‌شناختی

از آنجا که بر اساس آمار اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، ۶۰ درصد معلمان شهر اصفهان زن و ۴۰ درصد مرد هستند. حدود ۶۰ درصد پرسشنامه‌ها، بین معلمان زن و ۴۰ درصد بین معلمان مرد توزیع شد. از نظر رده‌بندی سنی نیز، بر اساس نسبت تقریباً مساوی رده‌های سنی ۱۸ تا ۳۰، ۳۰ تا ۴۰ و ۴۰ تا ۵۰ سال در جامعه آماری، تلاش شد تا هر یک از این رده‌های سنی ۳۰ درصد از پرسشنامه‌ها توزیع شود و حدود ۱۰ درصد به رده سنی ۵۰ تا ۶۰ سال اختصاص یابد. یافته‌های جمعیت‌شناختی پژوهش، بیانگر آن است که ۶۳ درصد از پاسخگویان زن و ۳۷ درصد مرد بوده‌اند. همچنین فراوانی رده‌های سنی ۱۸ تا ۳۰ سال، ۲۹ درصد، ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۶ درصد و ۴۱ تا ۵۰ سال، ۳۲ درصد کل نمونه مورد بررسی را در بر می‌گیرد. تعداد ۴۹ نفر (۱۳ درصد) از پاسخگویان نیز، افراد ۵۱ تا ۶۰ سال بودند. از نظر مقطع تحصیلی، بیشترین فراوانی متعلق به مقطع کارشناسی، ۴۸ درصد است. پس از آن فوق دیپلم و دیپلم با ۲۸ درصد و کارشناسی ارشد با ۲۲ درصد قرار دارند. افراد دارای تحصیلات دکتری نیز، با میزان ۲ درصد، در آخرین گروه قرار دارند.

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصدی متغیرهای جمعیتی نمونه پژوهش

متغیرهای جمعیتی	فراوانی	درصد
-----------------	---------	------

جنسیت	مرد	۱۴۱	۳۷
	زن	۲۳۹	۶۳
	جمع	۳۸۰	۱۰۰
سن	۱۸-۳۰	۱۱۱	۲۹
	۳۱-۴۰	۹۹	۲۶
	۴۱-۵۰	۱۲۱	۳۲
	۵۱-۶۰	۴۹	۱۳
	جمع	۳۸۰	۱۰۰
میزان تحصیلات	دیپلم و فوق دیپلم	۱۰۴	۲۸
	کارشناسی	۱۸۳	۴۸
	کارشناسی ارشد	۸۴	۲۲
	دکتری	۹	۲
	جمع	۳۸۰	۱۰۰

ب. یافته‌های متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی

بر اساس یافته‌ها از نظر استفاده از انواع شبکه‌های اجتماعی، بیشترین مراجعه نمونه آماری مورد مطالعه، به ترتیب، به سه شبکه اجتماعی تلگرام ۳۸ درصد، اینستاگرام ۱۸ درصد و واتس‌آپ ۱۵ درصد است. پس از آن سایر شبکه‌ها با تفاوت زیاد، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کمترین میزان مراجعه به شبکه توییتر با ۰/۸ درصد است.

جدول ۲. میزان استفاده از انواع شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی	فراوانی	درصد
تلگرام	۱۴۴	۳۸
اینستاگرام	۶۹	۱۸
واتس‌آپ	۵۷	۱۵
سایر	۴۵	۱۲
شبکه‌های اجتماعی ایرانی	۲۴	۶/۳

۳/۱	۱۲	فیس بوک
۲/۶	۱۰	یوتیوب
۲/۱	۸	لاین
۲/۱	۸	از رسانه های اجتماعی استفاده نمی کنم
۰/۸	۳	توییتر
۱۰۰	۳۸۰	جمع

جدول ۳ نشان می دهد ۵۰/۸ درصد پاسخگویان، روزی یک تا چند بار و ۲۹/۲ درصد، در تمام روز به شبکه های اجتماعی دسترسی دارند. به عبارتی، ۸۰ درصد پاسخگویان هر روز به شبکه های اجتماعی مراجعه می کنند.

جدول ۳. میزان مراجعه به شبکه های اجتماعی

درصد	فراوانی	میزان مراجعه به شبکه های اجتماعی
۵۰/۸	۱۹۳	روزی یک تا چند بار
۲۹/۲	۱۱۱	دسترسی در تمام روز
۱۲/۱	۴۶	دو تا سه بار در هفته
۵/۳	۲۰	یک بار در هفته
۲/۶	۱۰	یک تا سه بار در ماه
۱۰۰	۳۸۰	جمع

جدول ۴، گویای آن است که در جامعه مورد مطالعه، صداوسیما با ۳۸/۴ درصد و شبکه های اجتماعی با ۲۸/۴ درصد، دو منبع اصلی آگاهی از اخبار و اطلاعات سیاسی هستند. پس از صداوسیما و شبکه های اجتماعی، گزینه های دوستان و آشنایان و روزنامه ها، با تفاوت فراوانی قابل ملاحظه ای قرار دارند.

جدول ۴. منبع آگاهی از اخبار و اطلاعات سیاسی

درصد	فراوانی	منابع آگاهی از اخبار
۳۸/۴	۱۴۶	صداوسیما

۲۸/۴	۱۰۸	شبکه‌های اجتماعی
۱۲	۴۵	دوستان و آشنایان
۱۱	۴۲	روزنامه‌ها
۷/۶	۲۹	تلفن همراه
۲/۶	۱۰	اصلاً پیگیری نمی‌کنم
۱۰۰	۳۸۰	جمع

بر اساس جدول ۵، هنگام بروز اخبار متناقض، دربارهٔ رویداد یا واقعه‌ای سیاسی اجتماعی، بیشترین مراجعه به صداوسیما ۴۵ درصد است. شبکه‌های اجتماعی، پس از شبکه‌های ماهواره‌ای با ۶۷/۳ درصد در زمره رسانه‌هایی است که کمترین میزان مراجعه را دارند.

جدول ۵. رسانه‌های مورد مراجعه هنگام بروز تناقض در اخبار

درصد	فراوانی	رسانه‌ها
۴۵	۱۷۱	صداوسیما
۲۱/۸	۸۳	هیچکدام
۱۶/۳	۶۲	تارنماهای خبری اینترنتی
۶/۶	۲۵	شبکه‌های ماهواره‌ای
۶/۳	۲۴	شبکه‌های اجتماعی
۴	۱۵	روزنامه‌ها
۱۰۰	۳۸۰	جمع

با توجه به جدول ۴ و جدول ۵، متوجه می‌شویم که اگرچه شبکه‌های اجتماعی، دومین منبع آگاهی از اخبار برای پاسخگویان است، اما درصد پایین مراجعه به این رسانه، هنگام بروز اخبار متناقض در رویدادها یا وقایع سیاسی، گویای بی‌اعتمادی پاسخگویان به اخبار ارائه‌شده در شبکه‌های اجتماعی است. به عبارتی اگرچه شبکه‌های اجتماعی، به واسطهٔ ارائهٔ اطلاعات متنوع و انبوه، یکی از منابع خبری پرمراجعه هستند، اما هنگامی که تناقض‌ها ظهور می‌یابند و افراد در جست‌وجوی اخبار صحیح و قابل اعتماد هستند؛ بین منابع خبری جایگاه خوبی ندارد.

ج. یافته‌های متغیر فرهنگ دموکراسی مشارکتی

فرهنگ دموکراسی مشارکتی، با دو مقیاس شفافیت سیاسی اجتماعی و جلب مشارکت سیاسی، مورد سنجش قرار گرفت. پس از جمع‌آوری داده‌ها، نتایج حاصل از گویه‌های هر مقیاس را ترکیب کرده و شاخص‌سازی انجام شد.

جدول ۶. توصیف شاخص‌های آماری متغیر اصلی فرهنگ دموکراسی مشارکتی

ضریب کشیدگی	ضریب چولگی	انحراف معیار	میانگین	بیشترین میزان	کمترین میزان	حجم نمونه
۱/۶۴۰	۰/۰۹۹	۰/۴۰۷۹	۲/۸۶	۴/۵۷	۱/۴۳	۳۷۹

در مجموع، شاخص‌سازی متغیر اصلی فرهنگ دموکراسی مشارکتی، مطابق با جدول ۶، گویای آن است که میانگین فرهنگ دموکراسی مشارکتی پاسخگویان ۲/۸۶ (کمی کمتر از متوسط) است. انحراف معیار نیز، بیانگر آن است که متوسط پراکندگی نظر پاسخگویان، درخصوص فرهنگ دموکراسی مشارکتی، ۰/۴۰ است. ضریب چولگی به دست آمده (۰/۰۹۹)، بیانگر این واقعیت است که فرهنگ دموکراسی مشارکتی بیشتر اعضای نمونه، به میزان کمی پایین‌تر از میانگین یادشده است. ضریب کشیدگی نیز، مثبت و شدید (۱/۶۴) است، که نشان می‌دهد شباهت نمونه مورد بررسی از لحاظ فرهنگ دموکراسی مشارکتی، بیشتر از حد نرمال است. در آخرین مرحله، برای سهولت در سنجش رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی با ریز متغیرهای شبکه‌های اجتماعی، متغیر دموکراسی مشارکتی را، بر اساس پاسخ‌های مقیاس لیکرت، در چهار سطح طبقه‌بندی می‌کنیم. طبقه بندی متغیر فرهنگ دموکراسی مشارکتی، نشان‌دهنده آن است که ۵۹/۴ درصد از پاسخگویان، سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی پایین دارند، ۳۸ درصد نیز از سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی بالا برخوردارند. دو طبقه خیلی بالا (۰/۸) و خیلی پایین (۱/۸) نیز، تنها ۲/۶ درصد پاسخگویان را در بر می‌گیرند.

جدول ۷. سطوح فرهنگ دموکراسی مشارکتی

نوع پاسخ	سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی	فراوانی	درصد
پاسخ‌های مثبت (کاملاً موافقم) در راستای تأیید فرهنگ دموکراسی مشارکتی	خیلی بالا (۴)	۳	۰/۸
پاسخ‌های مثبت (موافقم) در راستای تأیید فرهنگ دموکراسی مشارکتی	بالا (۳)	۱۴۴	۳۸
پاسخ‌های منفی (مخالقم) در راستای نفی فرهنگ دموکراسی مشارکتی	پایین (۲)	۲۲۶	۵۹/۴
پاسخ‌های منفی (کاملاً مخالفم) در راستای نفی فرهنگ دموکراسی مشارکتی	خیلی پایین (۱)	۷	۱/۸
جمع		۳۸۰	۱۰۰

یافته‌های تحلیلی

رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و نوع شبکه‌های اجتماعی

نخستین متغیرهایی که رابطه آن‌ها مورد سنجش قرار گرفت، فرهنگ دموکراسی مشارکتی و نوع شبکه اجتماعی است. همان طور که در جدول ۸ ملاحظه می‌شود، با توجه به میزان خطا (۰/۰۲۹)، می‌توان ادعا کرد که بین فرهنگ دموکراسی مشارکتی و نوع شبکه اجتماعی مورد استفاده، رابطه معناداری وجود دارد و نتایج حاصل از نمونه مورد بررسی به جامعه آماری قابل تعمیم است. ضرایب فی و وی کرامر نیز، شدت رابطه همبستگی را، بین دو متغیر فرهنگ دموکراسی مشارکتی و نوع شبکه اجتماعی نشان می‌دهد. شدت همبستگی بین این دو متغیر، در حد ضعیف، اما معنادار است؛ به عبارتی، تأثیر نوع شبکه اجتماعی بر فرهنگ دموکراسی مشارکتی جامعه معلمان اصفهان در حد ضعیف است.

جدول ۸. تعیین سطح معناداری و شدت رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و نوع شبکه اجتماعی

میزان شدت ضریب همبستگی وی کرامر	میزان شدت ضریب همبستگی فی	میزان خطا	درجه آزادی	مقدار کی دو	رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و نوع شبکه اجتماعی
۰/۴۷۶	۱/۲۵۹	۰/۰۲۹	۵۳۲	۵۹۵/۸	رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و نوع شبکه اجتماعی

جدول ۹ گویای آن است که ۵۵/۶ درصد استفاده‌کنندگان از فیس‌بوک، ۵۴/۱ درصد استفاده‌کنندگان از اینستاگرام، ۶۱/۱ درصد استفاده‌کنندگان از تلگرام و ۶۶/۶ درصد استفاده‌کنندگان از سایر شبکه‌های اجتماعی، سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی پایین دارند و ۴۴/۴ درصد استفاده‌کنندگان از فیس‌بوک، ۴۳/۶ درصد استفاده‌کنندگان از اینستاگرام، ۳۶/۴ درصد استفاده‌کنندگان از تلگرام و ۲۶ درصد استفاده‌کنندگان از سایر شبکه‌های اجتماعی از سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی بالا برخوردارند.

جدول ۹. رابطه بین دو متغیر فرهنگ دموکراسی مشارکتی و نوع شبکه اجتماعی

نوع شبکه اجتماعی												
										فراروانی	۱	
فیس‌بوک	اینستاگرام	لاین	تلگرام	واتس‌آپ	شبکه ایرانی	آپارات	سایر	جمع				
۰	۲	۰	۳	۰	۰	۰	۲	۷	۰/۰	درصد	(خیلی پایین)	سطوح فرهنگ دموکراسی مشارکتی
۱۵	۷۲	۱	۹۹	۰	۱	۱	۱۸	۲۲۳	۵۵/۶	فراروانی	۲	
۵۴/۱	۲۵	۱/۶۱	۰/۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۶/۶	۵۹/۳	درصد	(پایین)	۳	(بالا)	
۱۲	۵۸	۳	۵۹	۲	۰	۰	۷	۱۴۳	۴۴/۴	فراروانی	۴	
۴۳/۶	۷۵	۳۶/۴	۱۰۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲۶	۳۸	۰/۰	درصد	(خیلی بالا)	جمع
۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۳	۰/۰	فراروانی	۴	
۰/۰	۰/۸	۰/۰	۰/۶	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۸	۲۷	فراروانی	جمع	
۱۳۳	۴	۱۶۲	۲	۱	۱	۱	۲۷	۳۷۶				

۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------	--

بنابراین، غیر از شبکه‌های اجتماعی ایرانی و آپارات که سطح مشارکت استفاده‌کنندگان آن‌ها پایین است، هیچ‌یک از سایر شبکه‌های اجتماعی، تعیین‌کننده سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی پاسخگویان نیست.

رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و میزان مراجعه به شبکه‌های اجتماعی

دومین رابطه مورد سنجش، رابطه بین فرهنگ دموکراسی مشارکتی و میزان مراجعه به شبکه‌های اجتماعی است. بر اساس نتایج جدول ۱۰، میزان خطا (۰/۲۷۴) بیش از ۰/۰۵ است، بنابراین رابطه معناداری بین متغیرهای فرهنگ دموکراسی مشارکتی و میزان مراجعه به شبکه‌های اجتماعی وجود ندارد. به عبارتی، در جامعه معلمان اصفهان، افزایش میزان مراجعه به شبکه‌های اجتماعی، در نمونه بررسی شده، تأثیری در فرهنگ دموکراسی مشارکتی آنها نداشته است.

جدول ۱۰. تعیین سطح معناداری رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و میزان مراجعه به شبکه اجتماعی

میزان خطا	درجه آزادی	دومقدارکی	
۰/۲۷۴	۱۲	۱۴/۴۳	رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و میزان اجتماعی مراجعه به شبکه

رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و منابع آگاهی از اخبار و اطلاعات سیاسی

سومین رابطه مورد سنجش، رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و مراجعه به انواع منابع آگاهی از اخبار و اطلاعات سیاسی است. نتیجه آزمون کی دو، در جدول ۱۱ نشان می‌دهد، میزان خطا (۰) است و می‌توان با ۰/۹۵ اطمینان ادعا کرد، بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. ضرایب فی و وی کرامر نشان می‌دهد، شدت همبستگی بین این دو متغیر، در حد ضعیف، اما معنادار است.

جدول ۱۱. تعیین سطح معناداری و شدت رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و مراجعه به انواع منابع آگاهی از اخبار و اطلاعات

سیاسی

میزان شدت (ضریب همبستگی وی کرامر)	میزان شدت (ضریب همبستگی فی)	میزانخطا	درجه آزادی	مقدارکی دو	
۰/۲۵۱	۰/۴۳۵	۰/۰۰	۱۵	۷۰/۵۵	رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و میزان آگاهی از اخبار و اطلاعات سیاسی

جدول ۱۲، رابطه متغیر فرهنگ دموکراسی مشارکتی را، با انواع منابع آگاهی از اخبار و اطلاعات سیاسی نشان می‌دهد.

جدول ۱۲. رابطه بین متغیر فرهنگ دموکراسی مشارکتی با منابع آگاهی از اخبار و اطلاعات سیاسی

		منابع آگاهی از اخبار و اطلاعات سیاسی							
		شبکه‌های اجتماعی	روزنامه‌ها	تلفن همراه (پیامک)	صداوسیما	دوستان و آشنایان	پیگیری نمی‌کنم		
سطوح فرهنگ دموکراسی مشارکتی	۱ (خیلی پایین)	۰	۰	۰	۶	۰	۱	۷	
	درصد	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۶/۴	۰/۰	۶/۲	۱/۹	
	۲ (پایین)	۹۶	۲۳	۱۲	۷۰	۶	۱۳	۲۲۰	
	درصد	۴۷/۸	۷۴/۲	۵۰	۷۴/۵	۸۵/۷	۸۱/۲	۵۹	
	۳ (بالا)	۱۰۴	۸	۱۰	۱۸	۱	۲	۱۴۳	
	درصد	۵۱/۷	۲۵/۸	۴۱/۷	۱۹/۱	۱۴/۳	۱۲/۵	۳۸/۳	
	۴ (خیلی بالا)	۱	۰	۲	۰	۰	۰	۳	
	درصد	۰/۵	۰/۰	۸/۳	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۸	
	جمع	۲۰۱	۳۱	۲۴	۹۴	۷	۱۶	۳۷۳	
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

بر اساس نتایج به دست آمده، ۵۱/۷ درصد از پاسخگویانی که شبکه‌های اجتماعی و ۴۱/۷ درصد از پاسخگویانی که تلفن همراه (پیامک)، منبع آگاهی آنها از اخبار است، دارای سطح بالایی از فرهنگ دموکراسی مشارکتی هستند. همچنین ۷۴/۲ درصد پاسخگویانی که روزنامه‌ها، ۷۴/۵ درصد از پاسخگویانی که صداوسیما و ۸۵/۷ درصد از پاسخگویانی که دوستان و آشنایان منبع خبری آنها هستند، سطح پایینی را از فرهنگ دموکراسی مشارکتی دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تلفن همراه به عنوان منبع اخبار، در ارتقای سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی پاسخگویان مؤثر بوده است.

رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و رسانه معتمد هنگام تناقض در اخبار

چهارمین رابطه مورد سنجش، رابطه بین فرهنگ دموکراسی مشارکتی و رسانه معتمد هنگام وجود تناقض در اخبار است. نتیجه آزمون کی‌دو در جدول ۱۳، نشان می‌دهد میزان خطا (۰) است و می‌توان با اطمینان ادعا کرد که بین فرهنگ دموکراسی مشارکتی و رسانه معتمد هنگام وجود تناقض در اخبار، رابطه معناداری وجود دارد. ضرایب فی و وی کرامر نیز، در مورد شدت رابطه همبستگی بین دو متغیر نشان می‌دهد، شدت همبستگی بین این دو متغیر، در حد ضعیف اما معنادار است.

جدول ۱۳. تعیین سطح معناداری و شدت رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و رسانه معتمد هنگام تناقض در اخبار

میزان شدت ضریب همبستگی وی کرامر	میزان شدت ضریب همبستگی فی	میزان خطا	درجه آزادی	مقدار کی دو	
۰/۲۴۳	۰/۴۲۱	۰/۰۰	۱۵	۶۵/۷۷	رابطه فرهنگ دموکراسی مشارکتی و رسانه معتمد هنگام تناقض اخبار

جدول ۱۴، رابطه دو متغیر فرهنگ دموکراسی مشارکتی و رسانه معتمد، هنگام وجود تناقض در اخبار را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به دست آمده، ۷۶ درصد از پاسخگویانی که رسانه معتمد آنها شبکه‌های ماهواره، ۶۶/۷ درصد از پاسخگویانی که رسانه معتمد آنها، شبکه‌های اجتماعی و ۵۷/۴ درصد پاسخگویانی که رسانه معتمد آنها تارنماهای خبری است از سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی بالا برخوردارند. در مقابل، بیش از ۷۰ درصد از کسانی که روزنامه و صداوسیما، منبع خبری مورد اعتماد آنها است، سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی پایین دارند.

جدول ۱۴. رابطه بین دو متغیر فرهنگ دموکراسی مشارکتی و رسانه معتمد

		رسانه معتمد						جمع
		تارنمای خبری	شبکه‌های ماهواره	صداوسیما	شبکه‌های اجتماعی	روزنامه‌ها	هیچکدام	
سطوح فرهنگ دموکراسی مشارکتی	۱ (خیلی پایین)	فراوانی	۰	۰	۵	۰	۲	۷
		درصد	۰/۰	۰/۰	۳	۰/۰	۲/۵	۱/۹
	۲ (پایین)	فراوانی	۲۶	۶	۱۲۶	۷	۴۵	۲۲۱
		درصد	۴۲/۶	۲۴	۷۵/۴	۲۹/۲	۷۸/۶	۵۹/۴
	۳ (بالا)	فراوانی	۳۵	۱۹	۳۶	۱۶	۳۲	۱۴۱
		درصد	۵۷/۴	۷۶	۲۱/۶	۶۶/۷	۲۱/۴	۳۷/۹
	۴ (خیلی بالا)	فراوانی	۰	۰	۰	۱	۲	۳
		درصد	۰/۰	۰	۰/۰	۴/۲	۲/۵	۰/۸
	جمع	فراوانی	۶۱	۲۵	۱۶۷	۲۴	۸۱	۳۷۲

۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد		
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------	--	--

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، سنجش رابطه فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، بین معلمان شهر اصفهان بود. فرضیه پژوهش، بر مبنای نظریه رینگولد، این بود که در جامعه معلمان اصفهان دو متغیر فرهنگ دموکراسی مشارکتی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، با یکدیگر همسو بوده و ضریب همبستگی مثبت دارند. بر این اساس، رابطه فرهنگ دموکراسی با چهار متغیر، در رابطه با استفاده از شبکه‌های اجتماعی بررسی شد. این چهار متغیر عبارت از نوع شبکه‌های اجتماعی، میزان مراجعه به شبکه‌های اجتماعی، «شبکه‌های اجتماعی به عنوان منبع آگاهی از اخبار و اطلاعات، شبکه‌های اجتماعی به عنوان رسانه معتمد هنگام بروز تناقض‌ها است. نتایج به دست آمده گویای آن است که:

بین فرهنگ دموکراسی مشارکتی و نوع شبکه اجتماعی مورد استفاده، رابطه معناداری وجود دارد، اما شدت همبستگی بین این دو متغیر، در حد ضعیف است. به عبارتی، نوع شبکه‌های اجتماعی، تعیین‌کننده سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی پاسخگویان نیست.

بین فرهنگ دموکراسی مشارکتی و میزان مراجعه به شبکه‌های اجتماعی، رابطه معناداری وجود ندارد.

بین فرهنگ دموکراسی مشارکتی و منابع آگاهی از اخبار و اطلاعات سیاسی، رابطه‌ای معنادار با شدت همبستگی ضعیف وجود دارد. پاسخگویانی که شبکه‌های اجتماعی و تلفن همراه (پیامک) منبع آگاهی آنها از اخبار و اطلاعات سیاسی است، در مقایسه با کسانی که صداوسیما، روزنامه‌ها و دوستان و آشنایان، منبع کسب اخبار آنها هستند، دارای سطح بالایی از فرهنگ دموکراسی مشارکتی هستند. بنابراین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تلفن همراه، به عنوان منبع اخبار، در ارتقای سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی پاسخگویان مؤثر بوده است.

بین فرهنگ دموکراسی مشارکتی و رسانه معتمد، هنگام وجود تناقض در اخبار، رابطه‌ای معنادار با شدت همبستگی در حد ضعیف وجود دارد. به عبارتی، اگرچه هنگام بروز اخبار متناقض درباره رویداد یا واقعه‌ای سیاسی اجتماعی، بیشترین مراجعه به صداوسیما است و شبکه‌های اجتماعی در زمره رسانه‌هایی است که افراد کمترین میزان مراجعه را به آن دارند؛ اما پاسخگویانی که هنگام بروز تناقض در اخبار، رسانه معتمد آنها شبکه‌های اجتماعی و تارنما خبری است، نسبت به کسانی که روزنامه و صداوسیما، منبع خبری مورد اعتماد آنها است از سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی بالاتری برخوردارند.

در مجموع برآیند نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد، رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی با فرهنگ دموکراسی مشارکتی، در نمونه مورد بررسی، با وجود قید "اعتماد به شبکه‌های اجتماعی" رابطه‌ای معنادار و همسو است. به عبارتی، لزوماً استفاده از شبکه‌های اجتماعی، منجر به ایجاد و یا افزایش سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی نمی‌شود؛ بلکه زمانی که مراجعه به شبکه‌های اجتماعی، به عنوان منبع آگاهی از اخبار و اطلاعات سیاسی، با اعتماد به این رسانه همراه شده، در ارتقای سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی پاسخگویان مؤثر بوده است.

این نتیجه، با افزودن قید اعتماد به شبکه‌های اجتماعی، تأییدکننده فرضیه پژوهش بوده و با یافته‌های حاصل از پژوهش های گستیل و ریچاردز (۲۰۱۷) و روو و ساندرا راجان (۲۰۱۴) همسو است. آنها برای موضوع اعتماد شهروندان به فضای مجازی، در ایجاد دموکراسی دیجیتال یا دموکراسی نوین مشارکتی اهمیت قائل هستند.

همچنین نتایج پژوهش، با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های ساندبرگ (۲۰۱۹) و داسلی (۲۰۱۹) همسو است. آنها قائل به وجود تأثیرهای مثبت و منفی فناوری نوین ارتباطات، بر سیاست و دموکراسی هستند. همان‌گونه که بیان شد، چنانچه اقدام

های دولت‌ها، در بستر فضای مجازی، با نگاه واقع‌بینانه و هوشمندانه همراه نباشد و همزمان، با استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، اعتماد به شبکه‌های اجتماعی شکل نگیرد، استفاده از فناوری نوین ارتباطات در مباحث سیاسی، آسیب‌های سختی بر پیکر دموکراسی وارد می‌سازد.

بنابراین، بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود، به منظور ارتقاء سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی در جامعه معلمان و بهره‌گیری از فرصت بی‌سابقه‌ای که شبکه‌های اجتماعی برای تقویت دموکراسی ژرف به وجود آورده، تلاش شود با ایجاد راهکارهایی، معلمان بازخورد مشارکت سیاسی خود را در فضای مجازی، به صورت ملموس ببینند. از آنجا که معلمان، به واسطه برخورداری از روحیه علمی نقد، از ظرفیت نقد قوانین و سیاست‌های اتخاذشده، ارزیابی نامزدها و یا ارائه پیشنهادها در حوزه مسائل سیاسی برخوردارند، انعکاس مشارکت سیاسی آنان در فضای مجازی، موجب افزایش اعتماد آنان به شبکه‌های اجتماعی، در حوزه مشارکت سیاسی و شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مشارکت بر مبنای فضای نوین ارتباطی، بین جامعه معلمان می‌شود. بی‌تردید، شکل‌گیری این فرهنگ بین معلمان، به دلیل نقش کلیدی آنان در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی، تأثیر بزرگی در شکل‌گیری و ارتقاء سطح فرهنگ دموکراسی مشارکتی جامعه خواهد داشت.

منابع

- آبیاری، منصور؛ امیرمسعود شهرام‌نیا؛ حسین مسعودنیا و عباس حاتمی. ۱۳۹۶. "نقش حکومت‌های محلی در فرایند توسعه سیاسی مطالعه موردی: ایران". فصلنامه سیاست جهانی. دوره ۶، شماره ۱: ۱۵۹-۱۹۳.
- حمیدیه، بهزاد. ۱۳۸۵. "مبانی فرهنگی دموکراسی: (نقد دیدگاه‌های مصطفی ملکیان)". فصلنامه راهبرد یاس. سال ۲، شماره ۵: ۲۳۳-۲۵۲.
- دوبنوا، آلن. ۱۳۷۶. "نظام تربیت شهروند: دموکراسی و کالتی - دموکراسی شراکتی". ترجمه بزرگ نادرزاد. ماهنامه کلک مراد. شماره ۸۹ و ۹۳: ۴۳-۵۰.
- رهبرقاضی، محمودرضا؛ حسین مسعودنیا؛ زهرا صادقی نقدعلی و امیرحسین پوره. ۱۳۹۵. "نقش شبکه‌های مجازی در تمایل به مشارکت انتخاباتی و جهت‌گیری‌های سیاسی". فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی. سال ۲۳، شماره ۲: ۱۲۵-۱۴۵.
- ساعی، علی و زهیر کریمی. ۱۳۹۱. "تحلیل فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا". فصلنامه جامعه‌شناسی ایران. دوره ۱۳، شماره ۴: ۱۱۶-۱۵۰.
- سلطانی‌فر، محمد و خدیجه ططری. ۱۳۹۰. "تبیین تأثیر فناوری‌های ارتباطی بر جریان‌های سیاسی و اقتصادی". فصلنامه پژوهش فرهنگی. سال ۱۲، شماره ۱۴: ۱۵۹-۱۸۳.
- عالم، عبدالرحمن؛ احمد میرزازه و فرامرز بیگلر. ۱۳۹۰. "نسبت اسلام و دموکراسی در اسلام معاصر". فصلنامه سیاست. دوره ۴۱، شماره ۴: ۱۵۴-۱۳۵.
- غفاری، امید؛ محمود کتابی و نفیسه واعظ. ۱۳۹۶. "بررسی تطبیقی توسعه سیاسی در عصر مشروطیت و نخستین دهه انقلاب اسلامی (۵۷-۵۶) با تأکید بر توزیع قدرت". فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی. سال ۸، شماره ۱: ۹۱-۱۱۹.
- لگزیان، محمد؛ سعید مرتضوی و سیدحسین کاظمی. ۱۳۸۷. "مدل مفهومی روابط سازمانی مبتنی بر اعتماد و شفافیت و سازوکارهای کنترلی متناسب". فصلنامه پیام مدیریت. شماره ۲۸: ۲۲۱-۱۸۵.
- محسنی، منوچهر. ۱۳۹۳. جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی. تهران: نشر دیدار.
- مسعودنیا، حسین؛ رضا محموداوغلی؛ محمودرضا رهبرقاضی و عاطفه فروغی. ۱۳۹۰. "بررسی رابطه استفاده از اینترنت با رویکرد و مشارکت سیاسی مطالعه موردی شهر اصفهان". دو فصلنامه نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه. سال ۱۴، شماره ۳۵-۳۴: ۱۷۱-۱۹۲.
- موسوی خمینی، روح‌ا... ۱۳۷۹. صحیفه امام. جلد ۴. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله علیه.
- موسوی، سیدکمال‌الدین اسدزاد و معصومه احمدآبادی. ۱۳۹۴. "تحلیل جامعه‌شناختی فرهنگ اعتماد در فضای مجازی". فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین. سال اول، شماره ۴: ۲۴۷-۲۸۱.
- نوری، مختار و مجتبی قلی‌پور. ۱۳۹۷. "رسانه‌های جدید و کنش جمعی در جامعه سیاسی ایران". فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر. سال ۹، شماره ۲: ۵۳-۳۳.

هرسیچ، حسین؛ حوا ابراهیمی‌پور؛ محمودرضا رهبرقاضی و مجید ملکان. ۱۳۹۲. " بررسی رابطه فضای مجازی با مشارکت سیاسی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان". فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۴. شماره ۴: ۲۱۱-۲۲۶.

- Aichholzer, Georg & Allhutter, Doris. 2009. "Online forms of political participation and their impact on democracy". Austrian Academy of Sciences. workshop of the European Consortium for Political Research (ECPR), Lisbon (Portugal), 14-19 April.
- Bherer, Laurence. Dufour, Pascale & Montambeault, Francoise. 2016. "The participatory democracy turn: an introduction". Civil Society, Volume 12, Issue 3, Pages 225-230.
- Dasli, Yilmaz. 2019. "Use of Social Media as a Tool for Political Communication in the Field of Politics". Ordu Universitesi Sosyal Bilimler Arastirmalari Dergisi, Volume 9, Issue 1: 243-251.
- Gastil, John & Richards, Robert. 2017. "Embracing Digital Democracy: A Call for Building an Online Civic Commons". Political Science & Politics, Volume 50, Issue 3: 758-763.
- Hague, Barry N & Loader, Brian D. 1999. Digital Democracy: Discourse and Decision Making in the Information Age. London and New York: Routledge.
- Rheingold, Howard. 1993. The Virtual Community. Cambridge, Massachusetts, United States: MIT Press 288-32.
- Rhue, Lauren & Sundararajan, Arun. 2014. Digital access, political networks and the diffusion of democracy". Social Networks, Volume 36: 40-53.
- Sundberg, Leif. 2019. "Electronic government: Towards e-democracy or democracy at risk?". Safety Science, Volume 118: 22-32.
- Schweitzer, Eva Johanna . 2012. "The Mediatization of E-Campaigning: Evidence From German Party Websites in State, National, and European Parliamentary Elections 2002–2009". Journal of Computer Mediated Communication, Volume 17, Issue 3: 283-302.
- Skoric, Marko. Ying, Deborah & Ng Ying. 2009. "Bowling Online, Not Alone: Online Social Capital and Political Participation in Singapore". Journal of Computer-Mediated Communication, Volume 14, Issue 2: 414–433.
- Webster, Frank. 2014. Theories of the Information Society. London and New York: Routledge.**